

همیشه‌های جامعه

همدلی بی پایان بالبنان

چند روایت جدید از کمک‌های مالی ادامه‌دار ایرانی‌ها به جبهه مقاومت که رقمش در برخی استان‌ها از ۱۰ میلیارد تومان گذشته است



گزارش
روزنامه‌نگار
فیهمه طباطبایی

اتفاق جالب و باورنکردنی این روزها این است که داستان کمک‌های خودجوش مردمی به جبهه مقاومت در غزه و لبنان ادامه دارد و تب آن هنوز نخوابیده است؛ داستانی که از پیام رهبر انقلاب شروع شد که اعلام کرده بودند، «بر همه مسلمانان فرض است که با امکانات خود در کنار مردم لبنان و حزب‌الله سرفراز بایستند و در رویارویی با رژیم غاصب و ظالم و خبیث آن را یاری کنند.» لیبیک به این پیام با بخشش طلاهای کوچک زنان جوان در تهران آغاز شد و به بخشش سروس‌های طلای گران و زمین و آبار تمان رسید. عجیب اینکه هر روز خطوط همدلی و سخاوت از اینجا تا بیروت و غزه پر رنگ‌تر و سیگنال‌های محبت قوی‌تر می‌شود.

کمک ۱۵ میلیارد تومانی یزدی‌ها

یزدی‌ها در کمک به جبهه مقاومت در غزه و لبنان، سنگ تمام گذاشتند؛ آنها در یک روزمیش ۱۵ میلیارد تومان کمک نقدی کردند. فرمانده سپاه الغدیر استان یزد از کمک بیش از ۱۵ میلیارد تومانی مردم دارالعباده در روزمیش «لیبیک یا امام» در راستای کمک به جبهه مقاومت و مردم مظلوم فلسطین و لبنان خبر داد. به روایت سردار حسین زارع کمالی، یزدی‌ها مبلغ ۲ میلیارد و ۶۸۰ میلیون تومان به صورت نقدی به مردم ستمدیده و مظلوم فلسطین و لبنان اهدا کردند. همچنین یک کیلو و ۷۰ گرم طلا به ارزش حدود ۵ میلیارد تومان، ۵ هزار تخته پتو به ارزش ۳ میلیارد تومان و تعداد قابل توجهی پوشاک بچه به ارزش یک



۲۵۰ میلیون کمک دانش‌آموزی

روایت کمک به مردم غزه و لبنان، فقط مخصوص یک گروه سنی یا قشر خاص نیست؛ بین کودکان و نوجوانان هم این جنبش حمایتی و انسان‌دوستانه طرفدار دارد. به‌طور نمونه دانش‌آموزان ۴ مدرسه در کرمان، با برگزاری یک بازارچه خیریه، ۲۵۰ میلیون پول نقد جمع کرده و تقدیم هم‌نسلان خود در این ۲ کشور کرده‌اند. مدیرعامل جمعیت هلال احمر



داستان زن عربستانی یک کیلو طلا و حرم امام‌رضاع

یک زن شیعه عربستانی اهل استان احساء این کشور، به زیارت امام‌رضاع (در مشهد آمده تا به واسطه ایشان، یک کیلوطلائی گرانبهای خود را تقدیم جبهه مقاومت در غزه و لبنان کند. این اتفاق، ابتدای هفته جاری رقم‌خورده تا میزان کمک‌های مردمی از حرم امام‌رضاع) رکورد تازه‌ای بزند.

دلیر تنگستان و اهدای ۳ تن خرما

از باغمان برداشت کردیم که همه محصول را بسته‌بندی و به مردم غزه اهدا کردیم. او به زحمات ۱۵ ساله خود و برادرش برای به ثمر نشستن باغشان اشاره کرده و اضافه می‌کند: وقتی با یک بمب ۲ تنی ساختمانی پایین می‌آید و در غزه ۴۰ نفر زیر آوار می‌روند و می‌سوزند، دیگر این خرما چه ارزشی دارد که دل‌کنند از آن سخت باشد. کسی باید به این خرما دل ببندد که به دین خودش شک کند. ما در این دنیا فقط شرمنده مردم غزه هستیم ولاغیر. قصه

تنگستان بوشهر در حافظه ما ایرانی‌ها گره خورده با رئیسعلی دلواری، مبارز مشروطه‌خواه و رهبر قیام جنوب در تنگستان علیه نیروهای انگلستان در جنگ جهانی اول؛ اما حالا کنار نام پر افتخار او، هرگاه نام تنگستان می‌آید، یاد عباس صبوری نخلدار بزرگی می‌افتیم که حاصل یک سال زحمت و باغداری خود را به مردم غزه بخشیده است تا واژه همدلی را به زیبایی معنا ببخشد. صبوری در این باره گفته است: امسال ۳۰۰ کیلو محصول خرما

همدلی



کمک ۱۹۸ میلیاردی تهرانی‌ها

تاکنون بالغ بر ۱۹۷ میلیارد و ۹۱۳ میلیون ریال کمک نقدی و غیرنقدی در استان تهران از طریق کمیته امداد با همکاری مراکز نیکوکاری جمع‌آوری شده است. معاون توسعه‌مشارکت‌های مردمی کمیته امداد استان تهران با اعلام این خبر، افزود: از این میزان کمک جمع‌آوری شده، بالغ بر ۱۲۰ میلیارد و ۴۹۶ میلیون ریال نقدی و مابقی غیرنقدی است. محمد دهر و به گفت: در ادامه نیز با توجه به آغاز فصل سرما پویش جمع‌آوری پتو برای مردم جنگ‌زده لبنان توسط این نهاد آغاز شده است و هر یک از مردم نوع دوست می‌توانند با اهدای یک تخته پتو در این پویش شرکت کنند.



کمک ۱۷/۶ میلیارد ریالی مردم چهارمحال و بختیاری

از ابتدای فراخوان جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای اهالی غزه و لبنان، بیش از ۱۷ میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال کمک‌های نقدی و غیرنقدی توسط مردم نوع‌دوست استان چهارمحال و بختیاری اهدا شده است. مسعود منثوی، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان با اعلام این خبر، افزود: جمعیت هلال احمر استان در قالب ۲۲ پایگاه ثابت و سیار هلال احمر و با استقرار ۵۵۵ دستگاه کارکنان، کمک‌های نقدی و غیرنقدی برای مردم مظلوم لبنان، یمن و غزه را در خانه‌های هلال، مصلی‌ها، هیئت‌های مذهبی، مساجد، پایگاه‌های امداد و نجات، مراکز آموزشی و دانشگاهی، درمانی و اداری و همچنین میادین پر تردد شهرهای استان جمع‌آوری می‌کند.



۳۶ ایستگاه برای جمع‌آوری کمک‌های مردمی

۳۶ ایستگاه ثابت و سیار هلال احمر برای جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیرنقدی برای لبنان، یمن و غزه در خانه‌های هلال، مصلی‌ها، هیئت‌های مذهبی، مساجد، پایگاه‌های امداد و نجات، مراکز آموزشی و دانشگاهی، درمانی و اداری و همچنین میادین پر تردد شهرهای استان زنجان مستقر شده‌اند. حکمت‌الله هاشمی، مدیرعامل جمعیت هلال احمر این خبر، به اهدای ۹۰ میلیارد ریال کمک نقدی و غیرنقدی توسط مردم استان زنجان به ستمدیدگان غزه، لبنان و یمن اشاره کرد و افزود: کمک‌ها شامل پول نقد، طلا، زیورآلات، کالاهای اساسی، پوشاک، مواد غذایی و... است که با هدف تسکین آلام مردم آسیب‌دیده و نیازمند این مناطق صورت گرفته است.



کتاب

سیدمحمدحسین حجازی
مؤلف: علیرضا شافعی، ترجمه: علیرضا شافعی

تهران فقط شهر کار نیست



«تاریخ تفریح در شهر تهران» نوشته حامد سلطان‌زاده؛ عنوان جذاب این کتاب کمترین دلیل است برای توری جلدی و حتی مطالعه آن؛ با اینکه بعید نیست برخی از موارد گفته‌شده در این کتاب به تفصیل در «طهران قدیم» جعفر شهری آمده باشد. این کتاب تاریخ تفریح تا انقلاب اسلامی را توضیح داده است. اولین نکته‌ای که با مطالعه این کتاب درمی‌یابیم این است که از دوره قاجار به این طرف، تنوع تفریحات مردم در شهر تهران قابل ملاحظه است؛ حتی مراسم عروسی هم از این تفریحات خالی نبوده است. از آغاز دوره ناصری و اختلاط ایران با غرب، مظاهر تمدن جدید هم بر تفریحات اثر گذاشت؛ اما نخستین کافه‌ها همزمان با دوره مشروطه‌یاز شدند؛ فضاهایی به سبک کافه‌های امروزی که حتی گاهی در آنها موسیقی زنده هم نواخته می‌شد.

اولین برخورد دها با تمدن غربی به‌ویژه در اجرای نمایشنامه‌ها و نمایش‌تئاتر و تک‌تک فیلم‌ها چندان بدون جنجال نبود و متشرعان و برخی از علما مواضعی ابراز داشتند؛ اما آرام‌آرام در قرن چهاردهم شمسی این موضوع تا حدی مرتفع شد؛ هرچند هنوز فرهنگ برخورد با مظاهر تمدن جدید به‌خوبی نهادینه نشده بود. به گواهی نوشته‌های امثال سعید نفیسی هنوز برخی از افراد، با هدف سوءاستفاده و برقراری ارتباطات ناسالم در محیط‌های نمایش و موسیقی می‌گذاشتند.

با آغاز دوره پهلوسی دوم تفریحات رنگ‌بویی سیاسی بیشتری به‌خود گرفت. مثلاً در دهه ۲۰ یکی از مهم‌ترین تفریحات مردم حضور در کافه‌ها و میتینگ‌ها با هدف برقراری ارتباطات سیاسی و برگزاری گفت‌وگوهای پر حرارت بود. همزمان با پاتوق شدن کافه، فعالیت‌های ادبی و هنری هم با محوریت کافه‌ها جدی‌تر دنبال می‌شد. به‌طور کلی می‌توان پاکر فتن دورهمی‌های جدی فرهنگی در کافه‌ها را یک الگوی مناسب برای تفریح و اوقات فراغت دانست.

با این همه، با توجه به رویکرد غیردینی پهلوی دوم، تفریحات در این سال‌ها با مفاسد همراه بود. تصنیفات زرد و پاورقی‌های مبتذل در نشریات، رمان‌های عامه‌پسند و

آبکی، نمایش‌های منافی شرع و دیگر تفریحات همچون استخرهای مختلط و رواج مشرب‌فروشی‌ها و عشرت‌کده‌ها، علمایی چون آیت‌الله کاشانی را به واکنش واداشتند؛ چراکه همزمان با داستان‌ها و فیلم‌های جدی و نمایشنامه‌های سیاسی، خط ابتذال هم بسا حمایت کارگزاران فرهنگی با قوت ادامه می‌یافت.

کتاب چون از منظر کنشگران همسان عصر این تفریحات را می‌کاود، تصویری دقیق و برج‌نهایت از دوره پهلوی دوم به‌دست می‌دهد. ملاحظه‌کننده فیلم‌های که به‌وسیله منتقدان جدی آن سال‌ها باب شده بود، به آن دست‌نزد از آثار سینمایی اشاره می‌کند که با داستان‌های سست و سطح پایین تنها به‌سختی‌شدن کمک‌ها می‌کرد. این آثار سینمایی به همراه کنسرت‌های موسیقی روح‌خوشی و مجالس لپو و لهب عملاً اجازه نفس کشیدن به تفریحات سالم و آگاهی‌بخش نمی‌داد. این فضای پوچ که از علاقه‌ارباب دربار به‌دور نبوده، مورد انتقاد نویسندگان هوشیار جامعه بود.

بنا بر آنچه کتاب در ۱۵ سال پیش از انقلاب حکومت پهلوی به‌طور جدی‌تر تلاش کرد تا تفریحات مردم هم‌راستا با جهتی باشد که او آن جهت را تبلیغ می‌کند و درست می‌داند. کاخ جوانان یا حتی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان یا برای جشن‌های ۲۵۰۰ ساله هم در همین فضا و با هریدر مشخصی تأسیس شدند. همزمان اهالی دربار، مشتری همیشگی مهم‌ترین کاپاره‌ها، کلاب‌ها و دیسکوهای شهر بودند. البته عموم مردم که در فکر طرحی دیگر برای زندگی بودند، مشتری این تفریحات لوکس نبودند و دیری نگذشت که آن فضای در کل غربی‌شده را به زوال‌نمان تاریخ تحویل دادند. با وجود این تلاش‌ها، فضاهای عمومی و تفریحی و سرگرم‌کننده یکسره در دست مبلغان ابتذال نبود. ساخته‌شدن فیلم‌هایی چون قیصر و گاو و نوشته‌شدن داستان‌هایی به قلم جلال آل‌احمد و ایراد سخنرانی‌های پرشوری به‌وسیله دکتر شریعتی و شهید مطهری نشان می‌دهد عامه مردم و قشرهای تحصیل‌کرده جامعه با ابتذال همراه نبودند.

به‌جرات می‌توان گفت بخشی از تفریحات روح‌خوشی و مبتذل و گاهی جاهل‌مسکله‌دوره پهلوی هیچ‌گاه دیگر در بین ایرانیان تکرار نشد. حتی در جمع‌های خصوصی و زیرزمینی امروز هم آن جنس تفریحات معمول نیست. بعدها با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییرات فرهنگی گسترده در جامعه، جنس تفریح مردم هم تغییر کرد. قیبول دارم که الان مردم همه از یک جنس تفریح نمی‌کنند و سلاقی فکری در تفریح مردم مؤثر است؛ ولی افزایش کافه‌ها، گسترش فرهنگ گفت‌وگو، توسعه مراکز مذهبی و مجالس دینی در تهران، توجه به عناصر به‌شدت فرهنگی مثل کتاب و ادبیات، عنایت به تفریحات سالم در شهرهای و مجموعه‌های تفریحی و ورزشی و تأسیس بوستان‌های متعدد در پایتخت همه نشان می‌دهد که دست‌کم فرهنگ‌های جاهلانه یا یکسره غربی‌شده گذشته کمرنگ شده است.

حتی در همین زمانه هم کنسرت‌های موسیقی سنتی و فاخر یا تئاترهای مستحکم از نظر فرم و مضمون، بیشتر از انواع دیگر مشتری دارند. کتاب «تاریخ تفریح در شهر تهران» به‌خوبی نشان می‌دهد که شهر در زمینه تفریحات سالم و متنوع پوست‌انداخته است و برخی مضار تفریحات دهه‌های ۴۰ و ۵۰ این شهر دیگر قابل‌رصد نیست. با افزایش آگاهی و سطح سواد و بینش مردم، دیگر هر نوع تفریحی مدنظرشان نیست.